



طریقه نت نویسی

« اوبوهوف »

طریقه نت نویسی که امروزه در بیشتر کشورهای جهان معمول است ، محصول چندین قرن مطالعه و کوشش میباشد . با اینحال این طریقه هنوز خالی از نقص نیست .

موسیقی جدید با مشکلات و پیچیدگی های بیسابقه خود ، بیش از پیش لزوم چند تجدید نظر اصلاحی را در نت نویسی فعلی آشکار میسازد و تنی چند از دانشمندان موسیقی دان برای اصلاح و رفع نواقص آن از سالها پیش مطالعاتی کرده و « تئوری » هائی وضع کرده اند که برخی از آنها بمرحله عمل نیز رسیده است . ولی باید در نظر داشت که از آن میان فقط مطالعات و تئوری - هائی حائز اهمیت است که با توجه بسوابق و سنن خط موسیقی انجام یافته باشد و نواقص و عیوب خط فعلی را رفع نماید . بعبارت دیگر مولود احتیاج واقعی باشد و نه تفنن و « تازم جوئی » صرف . بهمین جهت بعقیده ما برخی از طریقه هائی که در قرن اخیر وضع شده و برای نت نویسی علامات و اشکال گوناگون و یا ارقام و اعداد را بکار می برند ، هرگز نخواهند توانست موفقیت و عمومیت یابند .

مهمترین اشکالات و نواقص نت نویسی فعلی را ، لااقل در موسیقی غربی ، بچهار طبقه تقسیم کرده اند :

۱- اشکالات حاصله از علامات ترکیبی و عرضی که در انتقالات مختلف و بخصوص در « آرمنی » جدید نت خوانی را بسیار مشکل گردانده است .

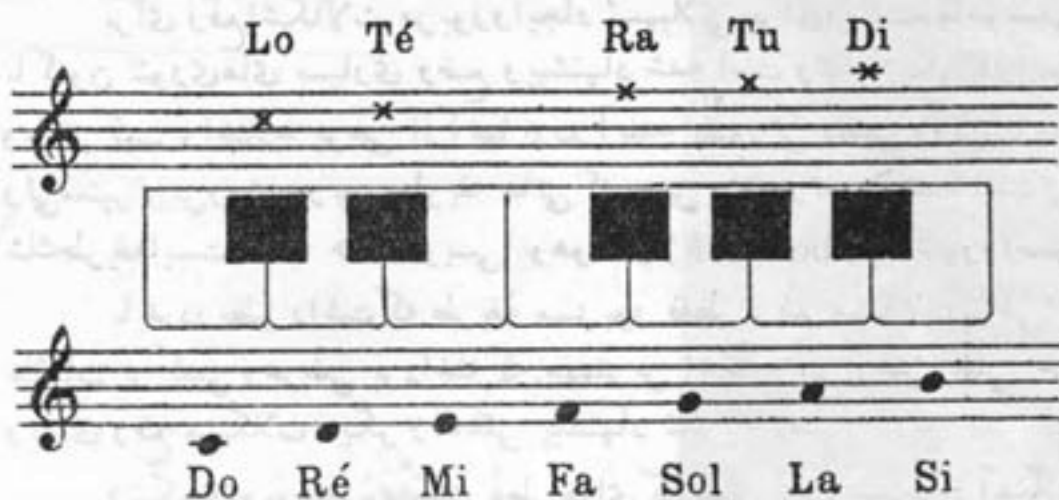
۲- تعدد کلیدها و مشکلات و مسائل مربوط بدان . ۳- خطوط اضافی حامل های فعلی . ۴- اشکال قرائت و تقسیم بندی ضربهای میزانهای ترکیبی . برای رفع اشکالات مزبور و ایجاد تسهیلاتی برای قرائت خط موسیقی ، تاکنون تئوریهای بسیاری وضع و پیشنهاد شده است و شاید یکی از آنها ، ویا ترکیب و اختلاط برخی از آنها ، در آینده بصورتی قطعی رواج یابد . ولی معتبرترین و مشهورترین طریقه هائی که بدین منظور تدوین شده است بی- شك طریقه ایست که به « نت نویسی ابوهوف » (Obouhoff) مشهور است . باید در نظر داشت که طریقه مزبور فقط برفع مشکلات ناشی از علامات ترکیبی و عرضی پرداخته که مهمترین اشکال نت نویسی فعلی است و برای رفع مشکلات دیگر راه حلی پیشنهاد نکرده است .

« نیکولا ابوهوف » مخترع طریقه ای که مورد بحث است ، از آهنگ- سازان روسی بود که پس از نخستین جنگ جهانی بفرانسه مهاجرت کرد و دو سال پیش در پاریس بدرود زندگی گفت . مهمترین اثر موسیقی وی « کتاب زندگی » نام دارد و « اوراتوریو- اپرا » ی مفصلیست که متن آنرا نیز خود نوشته است . این اثر و بطور کلی آثار موسیقی « ابوهوف » جنبه عرفانی و فلسفی بسیار برجسته ای دارد که بخط مشی « سکریابین » مربوط میشود و تأثیراتی هم از « ستر اوینسکی » و « پرگلیو » در خود دارد و رو به مرفته در سیر تحولات موسیقی روسی (ولی نه مکتب شوروی) مقامی قابل ملاحظه احراز مینماید .

« کتاب زندگی » و دیگر آثار ابوهوف ، بخط موسیقی مخصوصی نوشته شده است که بجای هفت نت گام کلاسیک ، دوازده نت گام باصطلاح « معتدل » را با اسامی جدیدی بکار میبرد . بدین معنی که در طریقه مزبور نت های هفت- گانه گام (مضراب های سفید پیانو) بهمان نام معمولی خود ، دو ، ر ، می ، فا ، سل ، لا ، سی ، خوانده میشوند . در حالیکه به نت های مزبور پنج نت دیگر (مضراب های سیاه) افزوده میشود که بترتیب : « لو » (Lo) (بجای دو دیز و ربمل) ، « ته » (Té) (ر دیز و می بمل) ، « را » (Ra) (فا دیز و سل بمل) « تو » (Tu) (سل دیز و لا بمل) و « دی » (Di) (لا دیز و سی بمل) نام میگیرند .

در این طریقه ، علامات « دیز » و « بمل » حذف شده و بنا بر این « بکار » نیز مورد استعمالی نمی یابد . نت های پنجگانه بالا که در نت نویسی فعلی بوسیله دیز و بمل مشخص میگردد در نت نویسی ابوهوف بوسیله علامت ×

نوشته میشود و اگر بصورت «گرد» و یا «سفید» باشد علامت × در داخل کردی قرار میگیرد.



مثالی که در صفحه بعد بنظر میرسد قطعه‌ای است از «نکتورن» شماره ۲ (Op.32) اثر «شوپن» که نخست بخط معمول فعلی و سپس بخط او بوهوف نشان داده شده است. بطوریکه ملاحظه میشود طریقه اخیر نت‌خوانی آن را بسیار ساده و آسان تر مینماید و اگر در هم پیچیدگی نوشته‌های آثار موسیقی جدید را در نظر آوریم میتوانیم دریابیم که نت نویسی ابوهوف تا چه حد مفید و عملی میتواند بود.

دروجه تسمیه تنهای پنجگانه اضافی (لو، ته، را، تو، دی) همان شیوه نام گذاری دو، ر، می، فا، سل، لا، سی بکار رفته یعنی نخستین سیلابهای آواز مذهبی «سن ژان باتیست» (Hymne de Saint Jean-Baptiste) مأخذ قرار گرفته است.

سیستم نت نویسی ابوهوف در حدود سال ۱۹۱۴ تدوین شده و این دوره‌ای است که «شونبرگ» و پیروان او در آثار خود باوج «کرماتیسم» رسیده بودند و آثارشان بالطبع مملو از علامات عرضی متناوبی بود. با توجه بسیر تحول موسیقی در دوره ما، طریقه نت نویسی ابوهوف، بیش از پیش سودمند و مؤثر مینماید.

طریقه مورد بحث، از همان آغاز کار از جانب موسیقی دانان و استادان موسیقی حسن استقبال یافت و بخصوص در فرانسه مورد توجه قرار گرفت. «راول» آهنگساز بزرگ فرانسوی نخستین کسی بود که آنرا پذیرفت و آپنده موفقیت آمیزی برای آن پیش بینی نمود. «اونه گر» فصلی از کتاب

نت نویسی معمولی

Poco agitato
cresc.

نت نویسی « آریهف »

Poco agitato
cresc.

خود: « افسون خوانی بجانوران محجر »^۱ را بدان تخصیص داد و بترویج آن همت گماشت. ولی مهمتر از همه آنکه « آثری بوسه » (H. Büsser) عضو انستیتو و استاد کرسی آهنگسازی کنسرواتوار پاریس که یکی از شخصیت‌های رسمی موسیقی فرانسه است در کتاب مشهور آهنگسازی خود^۲ نت‌نویسی ابوهوف را بهنرجویان توصیه نمود. مهمترین ایرادی که میتوان بطریقه‌نت‌نویسی ابوهوف و طریقه‌های مشابه آن (منجمله سیستم دکترمانچاکا^۳) واردشرد اینست که نت‌نویسی

۱- « Incantation aux Fossiles »

۲- « Précis de Composition »

۳- « Dr. Menchaca » آرژانتینی صاحب تألیفاتی است در زمینه مسائل

مربوط به خط موسیقی *

مزبور باساس «تنالیتة» کلاسیک لطمه و خلل وارد میسازد. از طرف دیگر چنانکه میدانیم بین دو نت «آرمونیک» (Enharmonique) هنگامیکه بر روی یک ساز غیر مضرابی - چون ویلن - نواخته میشوند اندک اختلاف و فاصله ای موجود است. عمل «اعتدال» گام (Tempérament) این اختلاف را در سازهای ثابت و مضرابی - چون پیانو - از بین برده است ولی در حقیقت، این فاصله و اختلاف در سازهای غیر ثابت هرگز از بین نرفته و حتی در قرن اخیر تمایلی باجرای آنها و به برگشت بفواصل طبیعی موسیقی مشهود است. با توجه بقسمت اخیر میتوان استنباط نمود که طریقه او بوهوف با بسیاری از مسائل استتیک، تئوری و صداشناسی مربوط میشود و با آنها را از سر نو مطرح میسازد.

ولی با اینهمه، مخالفان این طریقه - و منجمله «شایه»^۱ - معتقدند که نت نویسی او بوهوف را برای جلوگیری از اشکالات ناشی از علامات ترکیبی و عرضی و تسهیل نت خوانی میتوان بکار بست بدون آنکه این کار موجب شود که اساس تنالیتة کلاسیک دگرگون شود ولی با بکار بستن این نت نویسی نباید بهیچوجه از نت نویسی فعلی کاملاً چشم پوشید زیرا نت نویسی فعلی برای آموزش «آرמוنی» کلاسیک ضروری و اجتناب ناپذیر است.

اشکال دیگری که استعمال نت نویسی او بوهوف ممکن است ایجاد نماید آنست که باید عادت نمود که علامات ثابت پنجگانه جدید را در جای صحیح خود و بدرستی تشخیص داد. بدین معنی که فی المثل «آکور» ربمل، فا، لا بمل ممکنست شبیه آکور دو، فا، سل بنظر رسد. ولی این اشکال بهیچ وجه مهم و عمده نیباشد. چنانچه در سال ۱۹۲۶ که پیش در آمد «کتاب

زندگی» او بوهوف بر هبری «کوسویتسکی» اجرا شد، از کستر توانست بدون هیچ اشکال عمده ای، و برای نخستین بار بخوبی از عهده نت خوانی و اجرای آن بر آید.

با توجه بدانچه گذشت بدیهی است که طریقه نت نویسی او بوهوف میتواند بهترین وجهی مورد استفاده و تأیید آهنگسازان سبک «آتونال» قرار گیرد. ولی برای رفع هر نوع سوء تفاهمی باید دانست که او بوهوف

۱ - «J. Chailley» استاد کرسی موزیکولوژی دانشگاه «سوربون»

پاریس و رئیس انستیتو موزیکولوژی وابسته بدانشگاه آن شهر.

تألیفات وی درباره موسیقی قرون وسطی اعتبار و اهمیت فوق العاده دارد، «شایه» مؤلف تئوریهای نیز درباره نت نویسی است و علاوه از آهنگسازان و رهبران بزرگ معاصر فرانسه بشمار می آید.

از پیروان مکتب آتونال و «سریل» نبوده و طریقه اختراعی او هم برای مکتب خاصی وضع نشده است. او بوهوف خود مبتکر سبک «آرمونی» مخصوصی است که «آرمونی کامل» نام دارد و اگرچه گاهی آثار او محدود موسیقی آتونال میرسد، با اینحال هرگز از پیروان این مکتب و نیز سبک «سریل» نبوده است.

او بوهوف مؤلف کتب آموزشی مهمی نیز هست. مهمترین آنها کتاب «آرمونی تونال، آتونال و کامل» و «دستور مقدماتی زبان موسیقی» است که مورد توجه خاص عده‌ای از بزرگترین استادان معاصر موسیقی قرار گرفته است. علاوه بر این او بوهوف چند ساز جدید موسیقی «راديو-الکتريك» اختراع نموده و در آثار خود بکار برده است.

هـ

جمله‌ای چند از يك کتاب

قابل توجه «مفسرین» موسیقی! ..

... موسیقی اصلاً و ذاتاً ناقادر است از اینکه چیزی را بیان نماید: خواه احساس و یا موقعیتی و خواه يك حالت روانی و یا پدیده‌ای طبیعی و غیره... او فقط قادر است که در ما يك نوع شور و «هیجان موسیقی» برانگیزد و بس... بیان حالت (اکسپرسیون)، هرگز از خواص مسلم موسیقی نبوده است...

«ستر اوینسکی»

(از کتاب Poétique Musicale)